

International Economic Sanctions and Violation of Fundamental Human Rights to Adequate Standard of Living: Stressing on Right to Food and Food Security

Kheirollah Parvin^{1*}, Farzad Babakhani²

1. Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. PhD Student, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 67-107

Received: 2022 December 30

Revised: 2023 January 23

Accepted: 2023 January 25



Abstract

On the one hand, in accordance with various international human rights instruments, right to adequate standard of living is recognized as a fundamental human right and such rights with their theoretic and philosophical Basis and their modern executive mechanisms are nowadays beyond sovereignty and assumed to be a universal constitution. On the other hand, from post-world war II on, execution of economic sanctions in international sphere has been seriously deemed as a tool against violations of international rules and obligations, aiming to press target states to get them in line with international order and has gained importance regularly. The goal of this research is to study the violation of fundamental human right to adequate standard of living and right to food in pursuance of execution of international economic sanctions against target states. Execution of such sanctions per se brings about violation of food security and fundamental right to adequate standard of living and right to food in particular. Human rights along with its theoretic and philosophical basis are protective rights and any state or domestic and international organizations are to respect, protect and guarantee their implementation and no violation, limitation or deprivation of these rights are justifiable and consequently, such matters seriously defy validity of international economic sanctions.

Keywords: Economic Sanctions, Human Rights, Right to Adequate Standard of Living, Right to Food, Food Security

*Corresponding Author: khparvin@ut.ac.ir

بررسی تحریم‌های اقتصادی در تعارض با حقوق بنیادین بشر با تاکید بر حق بر خورداری از سطح زندگی کافی و امنیت غذایی

خیراله پروین^{۱*}، فرزاد باباخانی^۲

۱. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



چکیده

با توجه به اسناد بین‌المللی متعدد حقوق بشری، حق برداشتن سطح مطلوب به عنوان یکی از مصادیق حقوق بنیادین بشر به رسمیت شناخته شده و این حقوق نیز امروزه با مبانی نظری و فلسفی و همچنین سازوکارهای اجرایی نوین خود، حقوقی فراحاکمیتی و در حکم قواعد آمره جهانی محسوب می‌گردد؛ از طرف دیگر، از دوران پس از جنگ جهانی دوم، اعمال تحریم اقتصادی در عرصه روابط بین‌المللی به عنوان یکی از ضمانت‌های اجرایی برخورد با موارد نقض موازین و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و با هدف تحت فشار قرار دادن آن‌ها جهت همسوکردن خود با نظم جهانی مورد توجه جدی قرار گرفته و روزه به روز نیز بر اهمیت و کاربرد آن افزوده می‌شود. هدف تحقیق حاضر بررسی مقوله نقض حق بنیادین بشری برداشتن سطح زندگی کافی و حق بر غذا به واسطه اعمال تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه دولت‌ها می‌باشد. اعمال چنین ضمانت‌های اجرایی، خود موجب نقض امنیت غذایی و حق بنیادین بشری برداشتن سطح زندگی کافی، علی‌الخصوص حق بر غذا می‌شود. حقوق بشر با مبانی فلسفی و نظری خود، حقوقی حمایتی است و تکلیف دولت‌ها و نهادهای سیاسی داخلی، منطقه‌ای و جهانی، احترام، حمایت و تضمین اجرای آن‌هاست و نقض، تحدید و یا سلب این حقوق به هیچ دستاویزی قابل توجیه نیست و اعتبار حقوقی تحریم اقتصادی را با چالش جدی مواجه می‌نماید.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۶۷-۱۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، حقوق بشر، حق زندگی کافی، حق بر غذا، امنیت غذایی

درآمد

مبانی فلسفی حقوق بشر معاصر، بر اساس یک رابطه مستحکم بین حقوق بشر و حقوق فطری و طبیعی استوار گردیده است. از جمله توجهات و دریافت‌ها در خصوص حقوق بشر، ضرورت درک این فهم را دارد که حقوق بشر حقوقی طبیعی-فطری است، نه از طرف کسی داده و نه بخشیده می‌شود. اعلامیه‌های حقوقی و میثاق‌ها، کاشف از این حقوق طبیعی هستند و نه واضع آن. (پروین، ۱۳۹۵: ۱۷۳) این حقوق مجموعه‌ای از اصول و قواعد ... هستند که از طبیعت ناشی می‌شوند و میان ملل و عموم افراد بشر مشترک هستند و چون این حقوق بر حقوق موضوعه برتری دارد، قانونگذاران جوامع باید آن‌ها را کشف کرده و قوانین خود را با آن مطابقت دهند. (عباسی، ۱۴۰۰: ۵۲) همچنین اینکه، حقوق بشر، مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که از کرامت انسانی، مقام و منزلت او نشأت می‌گیرد و باید محترم شمرده شود و همه افراد به عنوان انسان بودن، اعضای یک خانواده خانوادہ بشری صرف نظر از رنگ، جنس و زبان، از آن بهره‌مند هستند ... (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۹: ۱۰) در نتیجه این حقوق را نمی‌توان مقهور حاکمیت دولت‌ها دانست چون در چنین حالتی، حقوق مذکور دیگر حقوق بشری محسوب نشده بلکه حقوق شهروندی خواهند بود که تحت استیلائی حقوقی دولت‌ها می‌باشند زیرا این حقوق، برخلاف حقوق بشر ... نسبت پذیر [بوده و] ... در نوسان و نسبیته تام در یک مسیر تاریخی، می‌تواند بسته به قدرت رفاهی حکومت در سیلان باشد. (جاوید، ۱۳۹۷: ۱۱۵) در نتیجه، حقوق بشر مجموعه‌ای است با ویژگی‌های فراحاکمیتی، بالاتر از اقتدارات حکومتی و جهانشمول که به تمام افراد انسانی، گذشته از خصوصیات عرضی آن‌ها تعلق گرفته (Morsink، ۲۰۰۹: ۱۴۸) و هیچ حاکمیتی، اعم از داخلی و بین‌المللی، صلاحیت نقض، تحدید یا سلب آن‌ها را نداشته و دولت‌ها و

۱ - بند ۳ ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد نیز موید عدم تاثیر ویژگی‌های عرضی افراد انسانی در تمتع آن‌ها از حقوق بنیادین بشری می‌باشد.

سایر نهادهای داخلی، منطقه ای و جهانی، مکلف به تامین و تضمین اجرای آن‌ها بوده و علاوه بر این، سازوکارهای اعمال حاکمیت داخلی و صلاحیت‌های بین‌المللی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که محدودکننده، ناقض یا سالب حقوق بشر نبوده و هماهنگ با سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی تامین و تضمین اجرای حقوق بنیادین بشری عمل نمایند. (Goodman and Alston, ۲۰۱۳: ۵۹)^۱

در چنین فضائی و با امعان نظر به رشد چشمگیر حقوق بشر چه از نظر ماهوی و چه ضمانت‌اجرائی از قرن گذشته، علی‌الخصوص پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد تا به امروز (Hiller, 1998: 681) و برتری نظری و اولویت آن بر قدرت دولت‌ها و سایر نهادهای سیاسی، همچنان شاهد تعارضات و برخوردهای سنتی بین دولت‌ها و منافع آن‌ها در عرصه بین‌المللی هستیم که در قرن اخیر، مفهوم سازمان‌های بین‌المللی و ارتباطات آن‌ها با دولت‌ها و با یکدیگر نیز به معضل سنتی مذکور

۱ - مقدمه و پاراگراف اول قسمت اول اعلامیه ۱۹۹۳ وین نیز مویید این مطلب است :

Emphasizing the responsibilities of all States, in conformity with the Charter of the United Nations, to develop and encourage respect for human rights and fundamental freedoms for all, without distinction as to race, sex, language or religion ... Invoking the spirit of our age and the realities of our time which call upon the peoples of the world and all States Members of the United Nations to rededicate themselves to the global task of promoting and protecting all human rights and fundamental freedoms so as to secure full and universal enjoyment of these rights,

...The World Conference on Human Rights reaffirms the solemn commitment of all States to fulfill their obligations to promote universal respect for, and observance and protection of, all human rights and fundamental freedoms for all in accordance with the Charter of the United Nations, other instruments relating to human rights, and international law. The universal nature of these rights and freedoms is beyond question. In this framework, enhancement of international cooperation in the field of human rights is essential for the full achievement of the purposes of the United Nations. Human rights and fundamental freedoms are the birthright of all human beings; their protection and promotion is the first responsibility of Governments.

اضافه گردیده است^۱ که در ذات و مبانی خود از قدرت طلبی دولت‌ها نشأت می‌گیرد. نتیجه این فرضیه که روابط بین دولت‌ها را ملاحظات قدرت معین می‌کند، همواره به این موضوع ختم شده است که مطالعه سیاست و حقوق بین‌الملل، کنکاشی است در مقوله جنگ و صلح و کشمکش بین دولت‌ها ... [و] انگیزه قدرت طلبی دولت‌ها [نیز] از منافع ملی سرچشمه می‌گیرد. (کاظمی، ۱۳۷۲: ۱۶۵)

در فضای نسبتاً صلح‌آمیز متعاقب جنگ جهانی دوم^۲، ارتقای سطح رفاه عمومی و توسعه اقتصادی به عنوان یکی از وظایف اساسی و بنیادین دولت‌ها مطرح گردید و موجب گذار ماهیت دولت‌ها از دولت‌های ژاندارم به دولت‌های رفاهی شد؛ در چنین وضعیتی، اختیارات و اقتدار دولت در اقتصاد افزوده شد تا به نوعی به حامی اقتصادی طبقه پایین اقتصادی جامعه نسبت به بورژواها تبدیل شود ... و با مداخله مستقیم در بازار، سرمایه و منابع اصلی را در دست [گرفته] و آن را بر اساس مساوات اقتصادی، میان افراد جامعه توزیع [نماید] تا مانع از گسترش شکاف طبقاتی اقتصادی شود. (پنفت و مومنی راد، ۱۳۹۴: ۱۸۷) تأمین پایدار رفاه عمومی به عنوان یکی از وظایف نوین دولت‌های رفاهی امروزی در کنار اصل دوستانه بودن روابط بین‌المللی، آن‌ها را به سرعت به سمت برقراری و تعمیق هرچه بیشتر روابط اقتصادی و تجاری با یکدیگر سوق داد؛ تا جایی که امروزه دیگر نمی‌توان دولت‌ها را جدای از روابط متنوع و پیچیده اقتصادی با دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی تصور نمود و همین وضعیت، توجه بسیاری را به مسئله جایگزینی اعمال فشارهای اقتصادی به جای جنگ به خود جلب

۱ - جهت مطالعه بیشتر در زمینه سازمان‌های بین‌المللی رک. به آقایی، سید داوود (۱۳۹۴)، سازمان‌های بین‌المللی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات سرای عدالت

۲ - با اینکه تحول تکنولوژیکی، بویژه تسلیحات اتمی، در عرصه مناسبات بین‌المللی انقلابی شگرف در روابط بین دولت‌های حاکم بوجود آورده، جنگ‌های محدود کلاسیک منطقه‌ای، هنوز در گوشه و کنار دنیا روی می‌دهد و بعضاً دولتمردان و سیاستمداران هنوز از این پدیده مذموم برای پیشبرد مقاصد سیاسی و منافع به اصطلاح ملی بهره می‌جویند. (کاظمی، ۱۳۷۲: ۱۴۹)

نمود. (Lopez and Cortright, 2018:3)

در این نظم و وضعیت جدید، قطع یا حتی محدود شدن ارتباطات اقتصادی برای دولت‌ها به کابوسی بدل گردیده است که عملاً می‌تواند به نتایجی واصل شود که جنگ نیز از وصول بدان‌ها عاجز است تا جایی که امروزه از تحریم اقتصادی به عنوان ابزار مهمی در راستای تامین و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یاد شده است. (Asa-da, 2020:3) به دیگر سخن، اهمیت نظام تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی به حدی رسیده است که علاوه بر جایگزینی جنگ، به وسیله‌ای برای جلوگیری از آن نیز تبدیل شده است. ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در یک سخنرانی در سال ۱۹۱۹، اعتقاد خود را درباره تحریم‌های اقتصادی اینگونه بیان کرد: «این درمان اقتصادی، صلح‌آمیز، آرام و مرگبار را به کار گیرید که دیگر نیازی نیست به زور متوسل شوید. درمان اعجاب‌انگیزی است. تحریم اقتصادی بر زندگی مردم خارج از دولت هدف تحریم تأثیری نمی‌گذارد، اما فشاری وارد خواهد کرد که به عقیده من هیچ ملتی در دوران معاصر تاب مقاومت در برابر آن را ندارد.» (وکیل، ۱۳۹۰:۲۹۷) علاوه بر این، به عقیده رابرت ژیلپین، تحریم اقتصادی یعنی دست‌کاری روابط اقتصادی به منظور [وصول به] اهداف سیاسی. (زهرانی، ۱۳۷۶:۴) در نتیجه، امروزه اعمال فشار و تحریم اقتصادی با این استدلال که عواقب جنگ بیش از حد سنگین بوده و در عین حال نیز نتایج شیوه‌های دیپلماتیک مقابله با دولت‌های هدف نیز ناکارآمد هستند، به صورت جدی مورد توجه دولت‌های قدرتمند جهان و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. (oth- and Hufbauer, 2007:9, ers) یعنی، معمولاً تحریم‌ها به منزله ادامه دیپلماسی با روش‌های دیگر هستند،

۱ - لازم به ذکر است که نباید از مسئله جایگزینی نظام تحریم اقتصادی بین‌المللی به جای جنگ به این نتیجه اشتباه واصل شد که نظام مذکور تاسیس جدیدی بوده و فاقد سابقه تاریخی است. واقعیت این است که استفاده از ابزارهای اقتصادی با هدف وصول به اهداف سیاسی امر نوینی نیست. از ابزارهای مذکور در ادوار مختلف تاریخی به صورت آشکار و پنهان به عنوان مکمل مخاصمات مسلحانه و با هدف تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی و خارجی دولت‌های هدف همواره استفاده شده است. (Doxey, ۱۹۸۰:۳)

به شرطی که به درجه جنگ نرسد. (وکیل و تحصیلی، ۲۵:۱۳۹۲) تحریم اقتصادی همیشه برای کشور هدف تخریب کمتر، برای تحمیل کننده [تحریم] هزینه کمتر دارد و تا حد زیادی امکان تحریک یک ضدحمله خطرناک را کم می کند.^۱ از این فراتر، جامعه بین المللی بیشتر نگران رویه ای است که در آن هنجارهای گسترده بین المللی، مانند منع تولید هسته ای یا حفاظت از حقوق بشر، تهدیدی برای صلح را در بر داشته باشد. تمایل [به] استفاده از تحریم در چنین مواردی، با تشخیص جدید ملت ها مبنی بر اینکه اندیشه حاکمیت مطلق و تقدس یافته در نظام سنتی و ستفالیاً تدریجاً فرساییده شده، بیشتر حمایت می شود. (زهرانی، ۲۰:۱۳۷۶) پس باید اذعان داشت که امروزه نظام تحریم، از جایگاه مستحکمی در حقوق و روابط بین الملل برخوردار است. لذا پرداختن به آثار و نسبت تحریم های اقتصادی بر حقوق بنیادین بشر اجتناب ناپذیر و ضروری است. پرسش اصلی این نوشتار بررسی موارد نقض حقوق بنیادین بشر در صور اعمال تحریم های اقتصادی می باشد. ما در مقاله حاضر، بررسی نظام تحریم های اقتصادی بین المللی و تاثیر آن بر سطح رفاه عمومی و حق بنیادین بشری بر داشتن سطح زندگی کافی، علی الخصوص مقوله امنیت غذایی و حق بر غذا می باشد.

گفتار اول: تبیین مفاهیم تحریم اقتصادی و حق برخورداری از سطح زندگی

کافی

یکی از مصادیق متنوع حقوق بنیادین بشری که تامین آن از مهمترین تکالیف دولت های رفاهی امروزی محسوب می گردد، حق بر داشتن سطح زندگی کافی است. حق مذکور مورد اشاره و تاکید اسناد بین المللی و منطقه ای متعددی قرار گرفته است؛ از جمله ماده ۵۵ منشور ملل متحد و بند اول آن که چنین بیان می دارد:

۱- زیرا در تحریم اقتصادی، عموماً وضعیت اقتصادی دولت تحریم کننده قدرتمندتر از دولت هدف است و امکان مقابله به مثل یا اصلاً وجود ندارد و یا به دلیل ضعف بنیه اقتصادی دولت هدف، اثربخشی لازم را نخواهد داشت.

با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تامین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور ذیل را تشویق می نماید :

۱. بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه و حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی^۱

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در قسمت اول بند یکم ماده ۲۵ خود به حق بر داشتن سطح زندگی کافی بدین شرح تصریح نموده است :

هر کس حق دارد تا سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث غذا، مسکن و مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی لازم تامین نماید...^۲

قسمت اول بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به ترتیب زیر به حق بنیادین دسترسی به سطح زندگی کافی اشاره نموده است :

کشورهای طرف این میثاق، حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده اش شامل غذا، پوشاک و مسکن مناسب و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می شناسد...^۳

علاوه بر اسناد عام فوق، اسناد خاص و منطقه ای حقوق بشری متعددی نیز

1. With a view to the creation of conditions of stability and well-being which are necessary for peaceful and friendly relations among nations based on respect for the principle of equal rights and self-determination of peoples ,the United Nations shall promote:
-higher standards of living ,full employment ,and conditions of economic and social progress and development;

2(1). Everyone has the right to a standard of living adequate for the health and well-being of himself and of his family ,including food ,clothing ,housing and medical care and necessary social services... ,

3. The States Parties to the present Covenant recognize the right of everyone to an adequate standard of living for himself and his family, including adequate food, clothing and housing, and to the continuous improvement of living conditions.

حق بر داشتن سطح زندگی کافی را مورد اشاره قرار داده اند؛ از جمله: بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بند اول ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۱۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر موسوم به اعلامیه قاهره مصوب ۱۹۹۰ اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی و بند ۲ ماده ۲۳ منشور حقوق بشر برای ملل آسیایی مصوب ۲۰۰۵ دولت های عضو جامعه پارلمان های آسیایی برای صلح.

باید دانست که هیچکدام از اسناد فوق تعریفی از حق بر داشتن سطح زندگی کافی ارائه نداده و صرفا به بیان مصادیق آن اکتفا نموده اند؛ البته ذکر مصادیق حق بنیادین مذکور نیز به دلیل بدیهی بودن مصادیق ذکر شده، تا حد زیادی نیاز به ارائه تعریف از آن را مرتفع می سازد؛ با این وجود با توجه به آنچه بیان گردید، می توان تعریف زیر را برای حق بر داشتن سطح زندگی کافی ارائه نمود:

«دسترسی به میزانی از امکانات ضروری و اولیه برای ادامه حیات به گونه ای که ضمن حفظ کرامت و شرافت انسانی^۱، نوعا پاسخگوی نیازهای اولیه و حیاتی هر فرد انسانی باشد.»

از آنجایی که ذات این حق با رفاه افراد مرتبط است، از این حق تحت عنوان حق رفاهی هم یاد شده است. نظام بین المللی حقوق بشر [نیز] فهرست نسبتا بلندی از دغدغه های رفاهی را در عداد حق های انسانی به شمار آورده است ... (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۲۷۸) دغدغه های مذکور که در واقع مصادیق حق بر داشتن سطح زندگی کافی محسوب گردیده و تامین آن ها زمینه ساز تامین حق موصوف می باشد،

1. Vienna Declaration and Program of Action, Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna on ۲۵ June ۱۹۹۳: Recognizing and affirming that all human rights derive from the dignity and worth inherent in the human person, and that the human person is the central subject of human rights and fundamental freedoms, and consequently should be the principal beneficiary and should participate actively in the realization of these rights and freedoms ...

عبارتند از: حق بر غذا، حق بر مسکن، حق بر پوشاک، حق بر دسترسی به خدمات پزشکی، حق بر خدمات و تامین اجتماعی. تمتع از مجموعه این حقوق است که فرد انسانی را از حق بر داشتن سطح زندگی کافی بهره مند می‌نماید؛ لذا دولت‌ها نیز تکلیف تامین حقوق ذکر شده را بر اساس اسناد حقوق بشری یا کم و بیش بر اساس قوانین اساسی خود که تا حد بسیاری متأثر از تئوری دولت رفاهی است بر عهده دارند. نکته مهم در خصوص این حق آن است که متعهد علیه اولیه این حقوق دولت است اما این مهم نافی تکالیف دولت‌های بیگانه در این خصوص نمی‌باشد. بدین معنی که دولت‌های بیگانه نیز نباید به طرق قانون مانع از احقاق این حق برای شهروندان هر کشور دیگری شوند.

پیش از این بیان گردید که سلب یا تحدید حقوق بشر در زمان جنگ و مخاصمات مسلحانه نیز امکانپذیر نیست؛ زمانی که در یکی از مهمترین مصادیق وضعیت فورس ماژور که در آن کشور تقریباً در تمام ابعاد مختلف در وضعیت فوق العاده قرار می‌گیرد، نمی‌توان تامین حقوق بشر را معلق نمود، (اعلامیه ۱۹۹۳ وین، پاراگراف سوم قسمت اول)^(۱) باید دید آیا در وضعیت تحریم اقتصادی نیز حقوق مذکور و خصوصاً حق بر داشتن سطح زندگی کافی از تضمین و احترام کافی برخوردار هستند یا خیر.

در ادبیات حقوق بین الملل، از تحریم با لفظ Sanction یاد شده و در فرهنگ حقوق بین المللی عمومی [نیز] زیر عنوان Sanction [چنین] آمده است: «مجموعه گسترده‌ای از واکنش‌هایی که دولت‌ها به صورت یکجانبه یا دوجانبه در برابر مرتکب یک عمل از نظر بین المللی نادرست، به منظور تامین اجرا یا احترام به یک حق یا تعهد

1. Effective international measures to guarantee and monitor the implementation of human rights standards should be taken in respect of people under foreign occupation, and effective legal protection against the violation of their human rights should be provided, in accordance with human rights norms and international law, particularly the Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, of 14 August 1949 and other applicable norms of humanitarian law.

انجام می دهند.» (عناستانی، ۱۳۹۵: ۲۱) در تعریف دیگری، از تحریم تحت عنوان اقدامات اجبارکننده در پاسخ به موارد نقض موازین حقوق بین الملل، متعاقب تصمیم یک نهاد صالح [بین المللی] به نمایندگی از جامعه [جهانی] یاد شده است. (Asada, 2020: 4)

از لحاظ نوع شناسی، تحریم دارای انواعی بدین قرار است: تحریم های نظامی، اقتصادی، هوایی و مسافرتی، دیپلماتیک و تحریم های فرهنگی؛ از نظر شیوه اعمال، به تحریم های یکجانبه و چندجانبه یا جمعی تقسیم بندی گردیده و از لحاظ دامنه و گستره عملکرد نیز به دو نوع تحریم های جامع و تحریم های هوشمند یا هدفمند دسته بندی می شود. منظور از تحریم های نظامی شورای امنیت، کلیه اقداماتی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد به استناد ماده ۴۲ منشور، در وضعیت هایی که تهدید صلح، نقض صلح و یا تجاوز تشخیص می دهد (ماده ۳۹ [منشور])، اختیار انجام آن را به دولت ها و یا سازمان های منطقه ای داوطلب یا ذی نفع می دهد ... [تحریم اقتصادی] عنوانی عام الشمول برای مجموعه اقدامات یکجانبه یا چندجانبه تحریمی و محدود کننده ای بوده که عمدتاً علیه اقتصاد دولت هدف به کار رفته است ... [تحریم هوایی و مسافرتی] هم شامل مسافرت اشخاص فردی یا گروهی از اتباع و اشخاص کشور تحت مجازات می شود و هم شامل عبور و مرور هواپیما و ناوگان هوایی ... تحریم های دیپلماتیک مستقیماً سران و رهبران دولت تحت مجازات را هدف قرار می دهد. در نتیجه اعمال [این نوع] تحریم، ویزای دیپلمات ها و رهبران سیاسی ممکن است لغو شود و آن ها از شرکت در نهادها و سازمان های بین المللی منع شوند ... هدف از تحریم فرهنگی، منزوی کردن کشور هدف و در واقع اعمال فشار روانی است ... [علاوه بر موارد فوق]، چنانچه کشوری به منظور اعمال فشار و پیشبرد اهداف سیاسی خارجی اش، همکاری های تجاری و مالی و یا دیگر روابط (قراردادی یا غیرقراردادی) خود با کشوری را قطع یا محدود کند، مفهوم تحریم یکجانبه به میان می آید ... تحریم های یکجانبه برخلاف تحریم های چندجانبه، با اراده دولت اعمال کننده سریعاً به اجرا در می آید و نیازی به

توافق دیگر کشورها ندارد ... چنانچه تحریم، از جمله تحریم اقتصادی، در یک چهارچوب نهادی منضبط بین المللی اعم از منطقه ای یا جهانی اتخاذ شده باشد، تحریم چند جانبه یا جمعی می باشد ... [از لحاظ گستره عملکرد نیز] تحریم های جامع یا فراگیر، به تصمیم شورای امنیت برای اعمال همزمان کلیه تحریم ها اطلاق می شود ک مستلزم به کارگیری نیروهای مسلح نیست. به عبارتی، واژه تحریم های جامع و فراگیر، برای توصیف نظامی از تحریم ها به کار گرفته می شود که هدف از آن ها، ممنوعیت صادرات و واردات انواع کالاها و خدمات می باشد ... [و در نهایت،] تحریم های هوشمند یا هدفمند تحریم هایی هستند که با ماهیت بازدارندگی و سیاسی، بیشتر از مردم، سعی بر اعمال فشار بر رژیم [های سیاسی] را دارند. (امیرپور، ۱۳۹۳: ۱۷ الی ۲۵) از میان انواع فوق، آنچه با موضوع تحقیق حاضر ارتباط دارد، نظام تحریم های جامع اقتصادی است.

لازم به ذکر است که امروزه لفظ تحریم از لحاظ بار معنایی، دارای دو مفهوم اعم و اخص شده است. مفهوم اعم آن به معنای مجازات است که هر نوع اقدام جمعی یا یکجانبه در راستای برخورد با دولت های ناقض موازین و تعهدات بین المللی را در بر می گیرد؛ اما معنای اخص این لفظ، همانگونه که در ادبیات حقوقی امروزی تعیین پیدا کرده است، تحریم یا مجازات اقتصادی می باشد. (Asada, 2020:83 و Hakimdavar, 2014:20) که این امر از اهمیت نوع اقتصادی تحریم ها از میان دیگر انواع آن حکایت دارد. با این وجود، مبنای هر دو مفهوم یکی است و آن عبارتست از برخورد با موارد نقض موازین و تعهدات بین المللی توسط دولت ها و مجاب کردن آن ها به حرکت در مسیر نظم جهانی. پس زمانی می توان به مجازات یا به بیان مرتبط تر، تحریم اقتصادی یک دولت

۱ - منظور از موازین بین المللی، معمولاً قواعد آمره ای که تخلف از آن مجاز نبوده و صرفاً از طریق یک قاعده آمره متعاقب با همان خصوصیات قابل تغییر است. (عهدنامه ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات، ماده ۵۳) و نیز منظور از تعهدات بین المللی، تعهدات عام حقوق بین الملل است که برای جامعه بین المللی، منفعت حقوقی در رعایت این [تعهدات] لحاظ می شود و از این رو کلیه دولت ها حق دارند در صورت نقض یک تعهد عام الشمول، اقدام متناسب صورت دهند. (عناستانی، ۱۳۹۵: ۲۵)

اقدام نمود که موردی از نقض موازین یا تعهدات بین المللی آن مشاهده شده و متعاقب آن، مسئولیت بین المللی دولت خاطی^۱ محرز شده باشد.^۲

لازم به ذکر است که نفس نظام تحریم اقتصادی بین المللی از آنجایی که در راستای احترام به اصل صلح آمیز بودن حل و فصل اختلافات بین المللی بوده و به نوعی جایگزین جنگ گردیده و از عواقب ویرانگر آن جلوگیری می نماید، امری ستودنی است اما آنچه مشروعیت اعمال تحریم از نوع اقتصادی آن را به عنوان ضمانت اجرای بین المللی با چالش مواجه می نماید، مبنا و هدف اعمال این نوع تحریم هاست؛ در بیان کارکرد تحریم های اقتصادی آمده است که اقدامات غیرنظامی که بر گردش کالا، خدمات یا دارایی های مالی یک دولت مشخص، به منظور تنبیه یا اجبار آن به اتخاذ اهداف سیاسی خاص تاثیر منفی می گذارند. (وکیل و تحصیلی، ۱۳۹۲: ۲۲) همچنین در بیان دیگری از کارکرد واژه تحریم آمده است که مجموعه ای از اقدامات غیرنظامی، که با قصد لطمه به وضعیت اقتصادی جمعیت عادی یا غیرنظامی، به انگیزه اجبار یا ترغیب به تغییر رفتار با ابتکار، مشارکت، رضایت یا آگاهی یک یا چند کشور، مستقلا یا در یک

۱ - جهت مطالعه بیشتر در زمینه مسئولیت بین المللی دولت ها رک. به کرافورد، جیمز، درآمدی بر حقوق مسئولیت بین المللی دولت ها، ترجمه محمد ستایش پور، چاپ اول ۱۳۹۷، تهران، انتشارات ساحل گیسوم
 ۲ - این قضیه نیز به نوبه خود اعتبار حقوقی تحریم های یکجانبه اقتصادی را با ایراد مواجه می نماید زیرا همانگونه که از نام آن پیداست، چنین تحریم هایی حاصل اراده دولت های تحریم کننده است و در اعمال آن ها، بیشتر دستاویزهای سیاسی مورد نظر بوده و لزوما نیازی به احراز مسئولیت بین المللی دولت تحت تحریم نیست و ممکن است دولت تحریم کننده به هر بهانه ای به اعمال تحریم یکجانبه علیه دولت ثانی اقدام نماید؛ (جهت مطالعه بیشتر در این زمینه رک. به Bassett and Marossi, ۲۰۱۵: ۷۵) که به طریق اولی، مسئله نقض حق بنیادین بشری سکنه دولت تحت تحریم برداشتن سطح زندگی کافی را بیشتر نمایان می سازد. به عبارت بهتر، حتی در مواردی که مسئولیت بین المللی یک دولت در نقض موازین و تعهدات بین المللی محرز گردد نیز، به دلیل تحت الشعاع قرار گرفتن حق سکنه آن برداشتن سطح زندگی کافی، نمی توان از ابزار تحریم اقتصادی استفاده نمود، به طریق اولی در اعمال تحریم های یکجانبه اقتصادی که کاملا به اراده دولت تحریم کننده وابسته بوده و صرفا بر مبانی و توجیهات سیاسی مبتنی بر منافع یکطرفه استوار است نیز نمی توان قائل به مشروعیت حقوقی چنین تحریم هایی بود. جهت مطالعه بیشتر در رابطه با تحریم های یکجانبه رک. به وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰)، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، صص ۱۳۱ الی ۱۴۶ و همچنین Eden Paul and Matthew, Hapold, and Sanctions Economic, Oregon, Portland and Oxford, Publishing Hart, Law International ۲۰۱۶, pp. ۷-۲.

چهارچوب نهادی بین‌المللی، علیه یک دولت اتخاذ می‌شود. (عابستانی، ۱۳۹۵: ۳۲)

گفتار دوم: نظام تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی و نقش آن‌ها در نقض حق

بشری بر داشتن سطح زندگی کافی

گفته شد که هر دولتی موظف است سطح کافی از زندگی را برای شهروندان خود فراهم نماید لکن نتیجه اعمال تحریم اقتصادی بر یک دولت ناقض موازین یا تعهدات بین‌المللی، وارد آوردن لطمه و خسارت به اقتصاد دولت مذکور، با هدف مجاب کردن آن به حرکت در مسیر نظم جهانی است، در اینجا است که نظام تحریم‌های مانع از ایفای وظایف دولت‌ها در قبال شهروندان شده و ایراد مبنایی و غیرقابل چشم‌پوشی وارده به نظام تحریم اقتصادی بین‌المللی نمایان می‌شود؛ لذا تحریم در مفهوم ابزار برخورد با دولت‌ها یا موجودیت‌های حقوقی هدف، در برخی موارد فی‌نفسه فاقد وجهت حقوقی می‌باشد. (Asada, 2020:5) نتیجه نهایی تحریم اقتصادی دولت‌های خاطی، تحت الشعاع قرار دادن و تنزل سطح رفاه عمومی در دولت‌های تحت تحریم و ورود فشارهای اغلب سنگین اقتصادی بر افراد انسانی ساکن در قلمرو آنها است. به عبارت دیگر، قطع رابطه تجاری و تحریم اقتصادی، کشور تحت تحریم را از بعضی منافع که از تجارت عاید آن کشور می‌شود محروم می‌نماید و به تبع آن، از [سطح] رفاه [عمومی] می‌کاهد (زهرانی، ۱۳۷۶: ۴) و این یعنی نقض حق بشری این افراد بر داشتن سطح زندگی کافی.^۱

۱ - باید دانست که تناقض بیان‌گردیده علاوه بر وجهه حقوقی و اجرایی، دارای ریشه فلسفی و مبنایی نیز می‌باشد زیرا همانگونه که بیان‌گردید، حقوق بشر امروزی از لحاظ فلسفی، ریشه در تفکرات حقوق طبیعی دارد که در آن انسان شناسی، فرد محور است. همین وضعیت در مسئله تحریم نیز وجود دارد و مبنای فلسفی تحریم، همواره ارتباط نزدیکی با لیبرالیسم داشته است (Jones, 2015:16) که به نوبه خود، از مکاتب فردمحور و متأثر از مبنای انسان‌شناسی ناتورالیستی می‌باشد. تعارض فلسفی مورد اشاره در اینجا نمایان می‌گردد که دو تاسیس حقوقی و سیاسی دارای مبنای انسان‌شناسی مشترک، در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ تعارضی که واقعی بوده و قابل جمع نمی‌باشد. نمی‌توان هم به تاسیسی حقوقی مبتنی بر انسان‌شناسی فردمحور (حقوق بشر) معتقد بود و هم از ابزاری مبتنی بر همان مبنای فلسفی (تحریم) استفاده نمود.

در این رابطه گفته شده است که با وجود اختلاف نظرات فراوان راجع به کارایی، اثربخشی، قانونی بودن، اخلاقی بودن و اساساً مشروعیت تحمیل مجازات های اقتصادی، در یک [امر] اتفاق نظر وجود دارد و آن اینکه هدف نهایی مجازات های اقتصادی، ایجاد لطمات و مشکلات اقتصادی در سرزمین تحت مجازات است؛ به این امید که وضع در نهایت منجر به تغییر رفتار یا اصلاح سیاست های دولت تحت مجازات شود ... و این فشار خود باعث ایجاد کمبودها و [مشکلاتی] در بخش های مختلف اقتصاد کشور هدف مجازات می شود؛ زمانی که این شداید و لطمات به درجه طاقت فرسایی برسد، انتظار این است که مردم کشور تحت مجازات عکس العمل نشان داده و از حکومت خود خواهان تمکین به خواسته های خارجی شوند. از این رو، وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی مردم، عنصر کلیدی و ضروری مجازات های اقتصادی اجبارکننده است ... در حقیقت، تاثیر فشارهای اقتصادی تنها توسط اشخاص فردی قابل تجربه است. به عبارت دیگر، تحمیل شداید بر کشور، حکومت یا مردم که مفاهیم انتزاعی اند، یکسره بی معناست؛ تنها مخلوقات زنده فردی هستند که می توانند درد و رنج را تجربه کنند. از این رو، شداید فردی پیامد قابل پیش بینی و در عین حال گریزناپذیر تحمیل مجازات های اقتصادی است که حقیقتاً باید گفت شرط لازم برای دست یابی به اهدافی است که برای مجازات های اقتصادی پیش بینی شده است که در یک دسته بندی کلی می توان آن ها را عبارت از بازدارندگی، تمکین به رعایت، تنبیه، بی ثبات سازی، تحدید نزاع، همبستگی، نمادگرایی و هشدار باشد. از این رو، توجه جدی به مقوله کارایی و چگونگی تاثیربخشی، قطع روابط تجاری و مالی بر سیاست و رفتار دولت تحت مجازات، وزن و اهمیت استفاده ابزاری از رنج های شهروندان کشور هدف مجازات را در این فرایند به وضوح آشکار می سازد و این پارادوکسی است که تحمیل کنندگان مجازات نمی خواهند خود را درگیر آن کنند.^۱(عنابتانی، ۱۳۹۵: ۳۱)

۱ - مسئله اعمال فشار اقتصادی بر سکنه قلمرو دولت های تحت تحریم، علاوه بر نقض آشکار حق بشری آن ها بر

تحریم‌های اقتصادی در بسیاری از موارد، حقوق اولیه انسان‌های حاضر در یک کشور را نقض کرده‌اند؛ این مسئله مورد توجه کمیته [حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی] نیز قرار داشته [است] بدین ترتیب که کمیته در تفسیر [عمومی] شماره ۸ [سال ۱۹۹۷] اذعان می‌دارد که تحریم‌ها اغلب تاثیر نامناسبی بر حقوق شناسایی شده در میثاق [بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی] دارند... [و] اغلب موجب اختلال در توزیع غذا، دارو و تجهیزات پزشکی شده و کیفیت غذا و همچنین دسترسی به آب آشامیدنی را کاهش می‌دهد. بنابراین به تجربه ثابت شده است که تحریم‌های اقتصادی، آسیب‌های شدید و غیرقابل جبرانی به شهروندان یک کشور وارد می‌کنند. (کربلایی حسینی، ۱۳۹۲: ۸۶)

در توجیه تناقض آشکار فوق و در تلاش برای حل آن چنین استدلال شده است

داشتن سطح زندگی کافی، نظم عمومی داخلی دولت تحت تحریم را نیز تحت الشعاع می‌دهد و گزافه نیست اگر گفته شود تحریم اقتصادی می‌تواند تا حد بروز آشوب داخلی و حتی انقلاب و تغییر رژیم سیاسی حاکم بر کشور هدف نیز پیش رود؛ (others and Hufbauer, ۲۰۰۷: ۶۷) یعنی با اعمال چنین تحریم‌هایی، یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل، یعنی اصل عدم دخالت در امور داخلی دولت‌ها نیز نقض می‌گردد و این نقض می‌تواند تا حد برهم زدن کامل نظم عمومی داخلی دولت‌های تحت تحریم نیز پیش برود. زمانی که در یک کشور نظم عمومی دچار اختلال شود، کفایت دولت توان سرکوب آشوبگران و برقراری مجدد نظم را از دست بدهد، نتیجه همان خواهد شد که در کشورهایمانند سوریه، افغانستان، یوگسلاوی سابق، رواندا و تعدادی دیگر از کشورهای آفریقایی روی داد که در مواردی تا سرحد برهم خوردن صلح و امنیت بین‌المللی نیز پیش رفت و موجب مداخله شورای امنیت سازمان ملل متحد گردید. پس اعمال تحریم اقتصادی علیه دولت‌ها، علاوه بر نقض حقوق معیشتی بشری، موجب نقض حاکمیت و نظم عمومی داخلی دولت‌ها، تهدید بالقوه صلح و امنیت بین‌المللی و دخالت در امور داخلی دولت‌های تحت تحریم خواهد شد. چنین امری را می‌توان با مفهوم عدم تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری قیاس نمود؛ آنجا که نقض یک یا چند مورد از موازین و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها بتواند تا سرحد برهم خوردن نظم عمومی داخلی و سرنگونی دولت تحت تحریم و بالاتر از آن، ایجاد اختلال در صلح و امنیت بین‌المللی پیش برود.

ایراد دیگری که به تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی می‌توان وارد آورد، ایجاد اختلال در نظم اقتصادی بین‌المللی است که یکی از مهمترین جوانب آن، گردش آزاد پول و کالا در عرصه بین‌المللی است که در نقطه مقابل وضعیت تحریم اقتصادی بین‌المللی است. در این رابطه جهت مطالعه بیشتر، ر.ک. به Rudolf, Dolzer, of Encyclopedia, Law International Public, vol. 8, Law International in Individual the and Rights Human, Inc Company Publishing Science Elsevier, 1991, Relations Economic International, 336 p, York New

که در موارد صدور قطعنامه های الزام آور شورای امنیت در زمینه اعمال تحریم بر دولت یا دولت های معین، بر اساس ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد^۱، الزامات مذکور، بر هر کدام از حقوق و تعهدات بین المللی دولت ها، حتی حقوق و تعهدات ناشی از معاهدات بین المللی آن ها با دولت هدف تحریم نیز اولویت خواهد داشت ... (2020:5,Asada)

در نقد استدلال فوق می توان بیان نمود که این استدلال کاملا استدلالی مبتنی بر آموزه های حقوق بین الملل موضوعه بوده و با مبانی فلسفی حقوق بشر امروزی، که حقوقی فطری محسوب می شود، در تناقض آشکار است؛ عمده فیلسوفان بر سر این مسئله توافق نظر دارند که حقوق بشر جزئی از حقوق طبیعی است که مقدم بر هر گونه نظام سیاسی و اقتصادی است (جاوید، ۱۳۹۷:۱۰۰) و دولت ها و نهادهای سیاسی داخلی، منطقه ای و جهانی مقید به این حقوق بوده و سلب، تحدید و نقض آن ها با هر توجیهی فاقد اعتبار حقوقی می باشد. حقوق بشر امروزی، حقوق فطری در لباس حقوق موضوعه است، حقوقی است با خصوصیات حقوق فطری و با نظام ضمانت اجرای موضوعه.

علاوه بر نقد فوق، باید دانست که از دیدگاه فلسفه حقوق موضوعه نیز استدلال مذکور دارای ایراد است زیرا قطعنامه های سازمان های بین المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد، توان مخالفت و تعارض با حقوق موضوعه بین المللی امروزی را نداشته و از این لحاظ سلسله مراتب هنجاری بین آن ها برقرار می باشد. منشور حقوق بشر که میثاقین آن در قالب حقوق موضوعه، تکالیف غیرقابل انکاری بر دولت ها در زمینه حفظ و تامین حقوق بنیادین بشری قرار داده اند، بر هر قطعنامه و موافقت نامه بین المللی دیگری اولویت دارند. همچنین از این دیدگاه، استدلال موصوف در تناقض با

۱ - ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد: در موارد تعارض بین تعهدات اعضای سازمان ملل متحد بر اساس منشور حاضر با تعهدات آن ها بر اساس هر نوع توافق بین المللی دیگر، اولویت با تعهدات ناشی از این منشور خواهد بود.

[i]n the event of a conflict between the obligations of the members of the United Nations under the present Charter and their obligations under any other international agreement, their obligations under the present Charter shall prevail.

اصل حاکمیت قانون نیز می باشد زیرا رعایت سلسله مراتب هنجاری یکی از وجوه اصل حاکمیت قانون محسوب می شود.^۱

ایراد دیگری که بر استدلال مذکور وارد است این است که صرفاً تحریم های ناشی از قطعنامه های الزام آور مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد را در بر می گیرد و شامل قطعنامه های غیرالزام آور نهاد فوق و دیگر سازمان های بین المللی نمی شود. باید دانست که در رابطه با توجیه تحریم های ناشی از قطعنامه های غیرالزام آور شورای امنیت و دیگر نهادهای بین المللی بین حقوقدانان و نهادهای مشورتی بین المللی اختلاف نظر وجود داشته و نتیجه مشخصی در این زمینه تا بحال اتخاذ نشده است. (2020:6,Asada)

پس آنچه در زمینه نظام تحریم اقتصادی در واقعیت روی می دهد، پارادوکسی لاینحل در رابطه با اعمال فشار اقتصادی بر دولت خاطی و ناقض موازین و تعهدات بین المللی در راستای تغییر مشی سیاسی آن (Eyler, 2007:125) و در عین حال، تعهد به حمایت و احترام به حقوق بشر، علی الخصوص حق بر داشتن سطح زندگی کافی است. جمع بین دو قضیه فوق امکان پذیر نبوده و تناقض موجود بین آن ها، تناقضی واقعی و غیرقابل جمع به نظر می رسد زیرا نتیجه عینی اعمال تحریم اقتصادی، ایجاد محدودیت های مختلف بر اقتصاد و امور مالی دولت هدف و متعاقب آن، ورود فشارهای اقتصادی متنوع بر مردم آن کشور از قبیل کاهش قدرت خرید به دلیل کاهش ارزش پول ملی،

۱ - در سنت حقوقی-سیاسی غرب، حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخص معنا شده است. از فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو تا نظریه پردازان معاصر، بر این معنا که در واقع مفهوم حاکمیت قانون است تاکید کرده اند. جنان که یکی از صاحب نظران می نویسد: هسته حاکمیت قانون متشکل از ارزش های پایدار نظم و محدودیت است که در شعار حکومت قوانین نه حکومت شخص متجلی شده است. حکومت شخص به طور کلی به حکومتی گفته می شود که تصمیمات حکومتی [در آن] به نحو خودسرانه، هوس بازانه و با شیوه استبدادی اتخاذ می شود و ملاک اتخاذ تصمیمات، اراده و سلیقه متغیر حاکم یا جمعی از حاکمان است. (مرکز مالیمی، ۱۳۹۴:۳۲) از دیدگاه فوق، اتخاذ تصمیمات خودسرانه و بدون توجه به الزامات و روال ها و ترتیبات قانونی، خواه از سوی فرد یا افراد حاکم در داخل کشورها باشد و خواه از طرف دولت ها و سایر نهادهای بین المللی، نقض اصل حاکمیت قانون محسوب خواهد شد.

کمیاب و نایاب شدن ملزومات و امکانات اساسی معیشتی و ... که نهایتاً به کاهش سطح رفاه عمومی موجود در کشور تحت تحریم و نقض حق مردم این کشورها بر داشتن سطح زندگی کافی منتج خواهد شد. به بیان دیگر، اعمال فشار اقتصادی بر مردم با مجاب نمودن دولت متبوع آن‌ها به تمکین از موازین و مقررات بین‌المللی، یعنی نقض حق بنیادین بشری افراد انسانی بر داشتن سطح زندگی کافی.

معضلی که امروزه نظام بین‌المللی حقوق بشر با آن دست به‌گریبان است، برخورد دوگانه با حقوق بشر و اختلاف نظر دولت‌های قدرتمند و نظریه پردازان کشورهای در حال توسعه در این رابطه است. (Rodley and Sheeran, 2013:127) اما باید دانست که اختلافات موجود منشا سیاسی داشته و از اختلافات سنتی دولت‌ها بر سر قدرت طلبی و تامین منافعشان ناشی می‌شود و تأثیری در ذات و جایگاه حقوق بشر ندارد. نمونه بارز سیاسی کاری در امر اعمال تحریم اقتصادی، تحریم برنامه هسته‌ای ایران از سوی سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا می‌باشد که در عین داشتن وجه سیاسی قابل توجه و ضعف مبانی حقوقی و علاوه بر ایجاد موانعی بر سر راه توسعه سیاسی و اقتصادی در ایران، فشارهای اقتصادی و معیشتی قابل توجهی را نیز بر مردم این کشور وارد آورده است. (Eden and Happold, 2016:13)

وضعیت و جایگاه حقوق بشر در سلسله مراتب حقوقی امروزی به گونه‌ای است که هرگونه توجیه درمورد نظام تحریم‌های اقتصادی را بی اعتبار می‌کند. در نتیجه ضمانت اجرای موازین و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نباید بلاواسطه یا مع‌الواسطه موجب نقض، تحدید یا سلب حقوق بنیادین بشری گردد؛ موید این استدلال نیز اولاً ذات و مبانی فلسفی و نظری این حقوق و ثانیاً پذیرش اسناد موضوعه بین‌المللی از طرف اکثریت قریب به اتفاق دولت‌هاست که نتیجه منطقی آن، بی اعتباری ضمانت اجراهای مذکور خواهد بود زیرا در اعمال آن‌ها نقض غرض رخ داده و اصل فدای فرع می‌شود و می‌توان ادعا نمود که در چنین حالتی، کلیت نظام حقوق بین‌الملل بشر زیر

سوال خواهد رفت. مبنای شناسایی حقوق بنیادین بشر، کرامت ذاتی انسان هاست؛ بنابراین اگر حقوق بشر را یک هدف بدانیم^۱، باید بگوییم که حقوق بشر و تمامی مباحث پیرامونی آن وسیله ای برای حفظ کرامت انسان و احترام به ارزش [های] وجودی اوست. به عبارت دیگر، حقوق بشر شناسایی شده در سطح بین المللی، بیانگر یک برآورد اولیه مطلوب از تضمین های ضروری برای حیات توأم با کرامت انسانی در جهان معاصر می باشد. (کربلایی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۲) حال آنکه ابزار تحریم اقتصادی دقیقا در نقطه مقابل مبانی مذکور بوده و یکی از بنیادی ترین حقوق بشری، یعنی حق بر داشتن سطح زندگی کافی را نقض یا تحدید و حتی در مواردی سلب می نماید؛ کم نیستند موارد خودکشی به علت مشکلات اقتصادی و درآمد پایین و نداشتن سطح زندگی کافی (oth- and Lemmi, 2016:774,ers)

علاوه بر آنچه گفته شد و فارغ از مباحث نظری و فلسفی، حقوق بشر غیراز مبانی مستحکم نظری و فلسفی، دارای نظام ضمانت اجرای گسترده داخلی، منطقه ای و بین المللی نیز می باشد^۲ که نقض این حقوق را باید بی توجهی به نظام مذکور نیز محسوب نمود.

از آنچه بیان گردید مشخص می شود که نمی توان به اعمال تحریم های اقتصادی به عنوان مجازاتی مشروع در حقوق بین الملل نگریست^۳ زیرا همانگونه که بیان شد، حقوق بشر مجموعه ای به هم پیوسته بوده و به عنوان یک کل تجزیه ناپذیر

۱ - به نظر می رسد که در نگارش مرجع این نقل قول اشتباه رخ داده و به جای واژه «بدانیم»، لفظ «ندانیم» ذکر گردیده است.

۲ - جهت مطالعه بیشتر در رابطه با نظام ضمانت اجرای حقوق بشر، رک. به وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰)، ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان

۳ - موید این مطلب نیز اظهار نظر خانم آنا دوهان، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور تحریم ها است که در کنفرانس خبری ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ در کتابخانه ملی در ارتباط با نقض حقوق بنیادین بشری از طریق اعمال تحریم های بکجانبه اقتصادی ارائه گردید. جهت مطالعه بیشتر در رابطه با نهاد گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد رک. به باباخانی، فرزاد و معتمدنژاد، رویا (۱۳۹۹)، گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی

در نظر گرفته می شود و با نقض یکی از مصادیق آن، کل نظم حقوق بشر تحت الشعاع قرار خواهد گرفت؛ (اعلامیه ۱۹۹۳ وین، پاراگراف ۵ قسمت اول) به دیگر سخن، حقوق بشر یک مجموعه به هم پیوسته و ناگسستنی برای تضمین حیات با کرامت انسانی می باشند، به گونه ای که نقض هر یک از این حقوق، زمینه نامساعدی را ایجاد نموده و انسان را از دستیابی به سایر حقوق [بنیادین] خویش باز می دارد؛ به عبارت دیگر، روابط متقابل تمامی حقوق [بشر] برای دستیابی به هرکدام از آن ها ضروری می باشد. (کربلایی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۵)

بیان گردید که حق بر داشتن سطح زندگی کافی، دارای مصادیق مختلفی است. از میان این مصادیق، حق بر غذا مهمترین مصداق محسوب می شود زیرا در ارتباط تنگاتنگ با مهمترین و ریشه ای ترین حق بنیادین بشری، یعنی حق بر حیات است. فقدان دسترسی به غذای کافی و سالم، سلامتی افراد انسانی را تحت الشعاع قرار می دهد، تا جایی که می تواند منتج به مرگ نیز گردد. لذا در ادامه به بررسی تاثیر نظام تحریم های اقتصادی بین المللی بر وضعیت امنیت غذایی و حق بر غذا می پردازیم.

گفتار سوم: نقض حق بشری بر غذا و امنیت غذایی متعاقب اعمال تحریم

های اقتصادی بین المللی

حق بر غذا به عنوان یکی از حق های بشری و در مجموعه حقوق نسل دوم^۲،

1. All human rights are universal, indivisible and interdependent and interrelated. The international community must treat human rights globally in a fair and equal manner, on the same footing, and with the same emphasis. While the significance of national and regional particularities and various historical, cultural and religious backgrounds must be borne in mind, it is the duty of states, regardless of their political, economic and cultural systems, to promote and protect all human rights and fundamental freedoms.

۲- جهت مطالعه بیشتر در زمینه نسل های سه گانه حقوق بشر، ر.ک. به هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، صص ۱۶۴ الی ۱۷۱

یعنی حقوق اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی طبقه بندی می شود و مکانیزم ها و تضمین این حق، مشابه سایر حقوق مندرج در میثاق [بین المللی] حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است (امیرپور، ۱۳۹۳: ۴۴) و سابقه شناسایی آن به عنوان یکی از مصادیق حق بر داشتن سطح زندگی کافی، به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در دسامبر سال ۱۹۴۸ باز می گردد^۱ و برای اولین بار در ماده ۲۵ این اعلامیه، با این مضمون که هرکس حق دارد که سطح زندگانی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث غذا ... تامین کند، مورد شناسایی قرار گرفت (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۲۵) و در اواخر دهه ۱۹۹۰ [نیز] به عنوان یک رشته دانشگاهی از پژوهش های حقوقی در انگلستان پدیدار شد. (رضوانی و منفرد، ۲۱: ۱۳۹۶)

در گزارش سال ۲۰۰۱ گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در زمینه حق بر غذا، حق مذکور چنین تعریف گردیده است: حق بر غذا به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی که از نظر کیفیت و کمیت، مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف کننده است؛ به نحوی

۱ - پس از [پایان] جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد با هدف تامین صلح و امنیت بین المللی تاسیس گردید. منشور ملل متحد که سند تاسیس ارکان اصلی سازمان ملل - مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، [دیوان بین المللی دادگستری و دبیرخانه سازمان] محسوب می شود، ارکان مذکور را مکلف به تاسیس ارکان فرعی نمود. [در نتیجه] کمیسیون حقوق بشر در اولین اجلاس شورای اقتصادی و اجتماعی تشکیل گردید و به عنوان نهادی مشورتی در زمینه کمک به شورای مذکور در اجرای وظایف خود معرفی شد. کمیسیون مذکور سه سال اول تاسیس خود را صرف تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر کرد که در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. ماده ۲۵ این اعلامیه به حق بر داشتن سطح زندگی کافی از جمله حق بر غذا اشاره نموده است. هدف اصلی و اولیه از تدوین تصویب اعلامیه موصوف، تاسیس یک نظام جهانی حقوق بشری، متشکل از سه بخش بود: یک اعلامیه، یک سند لازم الاجرا و یک سازوکار نظارت و ایجاد مسئولیت در زمینه اجرای این حقوق. [پس از مباحثات فراوان]، به دلیل اختلاف نظر بین کشورهای بلوک شرق و غرب از یک سو، و کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته از سوی دیگر، نهایتاً تصمیم بر این قرار گرفت که به جای یک میثاق، پیش نویس دو میثاق تدوین گردد. یک میثاق حقوق مدنی و سیاسی را در بر بگیرد و میثاق بعدی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حق بر داشتن سطح زندگی کافی از جمله حق بر غذا اشاره نموده است. (Hadiprayitno and Hopes, ۲۰۱۰: ۴۴)

که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تامین آن به میزان کافی و مناسب و بدون دغدغه باشد اطلاق می‌گردد؛^۱ همچنین در تعریف مفهوم امنیت غذایی نیز آمده است که وضعیتی که در آن تمامی افراد در هر زمانی، به صورت فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی و سالم دسترسی داشته باشند، به گونه ای که نیازهای تغذیه ای لازم برای داشتن زندگی فعال و سالم آنها تامین شود. (Schanbacher, 2019:2)^۲

حق بر غذا و امنیت غذایی^۳ طبق تعاریف فوق، بدین صورت در جوامع تحقق می‌یابد که هر مرد، زن و کودکی، به تنهایی یا در اجتماع با دیگران، دسترسی فیزیکی و اقتصادی را در هر زمان به غذای کافی داشته و یا وسایل تولید آن را در اختیار داشته

1. the right to food is the right to have regular ,permanent and free access ,either directly or by means of financial purchases ,to quantitatively and qualitatively adequate and sufficient food corresponding to the cultural traditions of the people to which the consumer belongs ,and which ensures a physical and mental ,individual and collective, fulfilling and dignified life free of fear.

شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نیز بدین شکل تعاریف مشابهی از حق بر غذای کافی ارائه نموده اند:

The right to adequate food is realized when every man ,woman and child ,alone or in community with others ,has physical and economic access at all times to adequate food or means for its procurement.

۲- در دستورالعمل اختیاری سال ۲۰۰۴ فائو نیز تعریف مشابهی از امنیت غذایی ارائه گردیده است :
to access economic and physical have ,times all at ,people all when exists security Food for preferences food and needs dietary their meet to food nutritious and safe ,sufficient of stability ,availability are security food of pillars four The .life healthy and active an .utilization and access ,supply

۳- باید دانست که در اسناد بین المللی حقوق بشری، صرفاً از حق بر غذا به عنوان یکی از مصادیق حقوق بنیادین بشری یاد شده است نه از امنیت غذایی؛ اما نباید این نکته از ذهن دور داشت که مبین حقوقی اصلی امنیت غذایی، حق بشری بر غذای کافی است... [و نیز اینکه] تشابه بین مفاهیم امنیت غذایی و حق بر غذای کافی، با توجه به قید «کافی» در تعاریف ارائه شده از امنیت غذایی به وضوح نمایان است. (Hadiprayitno and Hospes, 2010:۲۰)

باشد. (کربلایی حسنی، ۱۳۹۷: ۲۶) به دیگر سخن، مفاهیم اصلی امنیت غذایی عبارتند از: غذای کافی، دسترسی (فیزیکی و اقتصادی) [به غذا] و زندگی سالم و فعال. در این میان، مفهوم دسترسی به غذا یعنی فرد به شبکه توزیع غذا در محل زندگی خود دسترسی آسان داشته (دسترسی فیزیکی) و با درآمد خود بتواند غذای مورد نیاز را خریداری کند (دسترسی اقتصادی). (سرخ حصار، ۱۳۹۸: ۷)

این حق بنیادین، به دلیل ذات حقوق بشری خود، با اوضاع جهانشمولی و تجزیه ناپذیری ... بصورت جدایی ناپذیری با دیگر مصادیق حقوق بنیادین بشری ارتباط دارد؛ بدین صورت که رابطه آشکاری بین اصل عدم تبعیض و حق بر غذا برقرار است؛ در همین زمینه، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان داشته است که تبعیض در دسترسی به غذا، مصداق نقض میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود ... به همین ترتیب، از حق بر غذا به صورت مداوم در زمینه های چالش برانگیزی همچون دسترسی به زمین زراعی در مناطق روستایی، دسترسی به منابع غذایی دریایی در مناطق ساحلی فقیرنشین، حقوق بومیان و حقوق زنان نیز یاد می‌شود. همچنین حق بر سلامتی در اغلب موارد با حق بر غذای کافی مرتبط است؛ بدین صورت که عادات غذایی ناسالم یا سوءتغذیه، موجب به خطر افتادن سلامتی ... افراد خواهد شد. در رابطه با بارداری و سلامت نیز لزوم تغذیه با شیر مادر مورد تاکید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و کمیسیون خدمات ضروری قرار گرفته است. همچنین تحقق حق بر غذا می‌تواند به عنوان پیش زمینه حق بر حیات مورد توجه قرار گیرد (Patel and Steier, 2016: 75)؛ حق حیات بنیادی ترین حق انسانی، و پایه ای است که دیگر حقوق بشری بر آن استوار می‌گردد (کربلایی حسینی، ۱۳۹۷: ۳۴) وقتی که مردم قادر به خوردن غذا نباشند، ... به دلیل سوءتغذیه یا بیماری های ناشی از سوءتغذیه یا

۱ - نکته لازم به توضیح در رابطه با مفهوم حق بر غذا به تمایز بین مفاهیم گرسنگی و سوءتغذیه باز می‌گردد؛ بدین صورت که حق بر غذا هر دو مفهوم فوق را به صورت رد و نفی در بر می‌گیرد. گرسنگی یعنی عدم دسترسی به مقدار و میزان کافی از غذا ... در حالی که سوءتغذیه عدم دسترسی به غذای دارای کیفیت مناسب ... (Wernaart, ۲۰۱۳: ۷۳)

گرسنگی محض، در معرض مرگ قرار خواهند گرفت. (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۳۲) پس اعمال تحریم اقتصادی، نه تنها حق بر داشتن سطح زندگی کافی و حق بر غذا را تحت تاثیر منفی قرار می دهد، به صورت غیرمستقیم موجب ایجاد مشکلات عدیده در راه ادامه زندگی افراد انسانی و تهدید حق بر حیات آن ها، که اساسی ترین و اولیه ترین حق بنیادین بشری است نیز می گردند. حق بنیادین بشری دیگری که حق بر غذا با آن ارتباط بسیار نزدیکی داشته و اعمال تحریم اقتصادی موجب نقض آن نیز می شود، حق بر رهایی از گرسنگی است که مورد تصریح بند ۲ ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است.^۱ حق بر غذای کافی در واقع مقدمه تحقق حق بر رهایی از گرسنگی محسوب می گردد؛ به دیگر سخن، زمانی می توان از حق مذکور سخن گفت که حق بر غذای کافی تحقق یافته باشد.

در بیان کارکردهای تحریم اقتصادی اشاره گردید که تاثیری منفی بر گردش کالا، خدمات یا دارایی های مالی دولت تحت تحریم گذاشته و بخشی از همین تاثیر منفی، به ایجاد اختلال در گردش کالاها و خدمات مربوط به تامین ارزاق عمومی باز می گردد، به گونه ای که موجب بر هم خوردن امنیت غذایی در کشور تحت تحریم خواهد شد. علاوه بر این، یکی از وجوه اعمال تحریم اقتصادی بر دولت های هدف، تحت الشعاع قرار دادن صادرات به اینگونه کشورهاست که به گونه اجتناب ناپذیری صادرات محصولات غذایی را نیز در بر می گیرد. هیچ کنشگر غیردولتی ای به اندازه شرکت های فعال در زمینه

1. The States Parties to the present Covenant ,recognizing the fundamental right of everyone to be free from hunger ,shall take ,individually and through international co-operation ,the measures ,including specific programs ,which are needed:

) a (To improve methods of production ,conservation and distribution of food by making full use of technical and scientific knowledge ,by disseminating knowledge of the principles of nutrition and by developing or reforming agrarian systems in such a way as to achieve the most efficient development and utilization of natural resources;

) b (Taking into account the problems of both food-importing and food-exporting countries ,to ensure an equitable distribution of world food supplies in relation to need.

تبادل بین‌الدولی محصولات کشاورزی بر مسئله حق بر غذا اثرگذار نیستند. (Schut-De) Cordes Y and ter (2011:27) در رابطه با میزان تاثیر نهادهای فراملی بر دولت‌ها ذکر این نکته لازم است که زمانی که کنشگران دولتی و غیردولتی در عرصه جهانی به صورت قدرتمند تر دولت‌های ملی ظاهر شده‌اند، نظام حقوق بشر باید تا اندازه‌ای تقویت شود که از سوءاستفاده احتمالی نهادهای مذکور از قدرت خود جلوگیری به عمل آورده و بدین ترتیب، حقوق بنیادین افراد انسانی از کارکردهای منفی این نهادها محفوظ بماند. این کنشگران قدرتمند که سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان جهانی تجارت و کنشگران غیردولتی مانند شرکت‌های فراملی و چندملیتی را نیز در بر می‌گیرند، باید پاسخگوی عملکردهای خود باشند. قدرت همواره باید با مسئولیت و پاسخگویی همراه باشد. (Mahon and Ziegler, 2011:68) همچنین اینکه، حقوق بشر حقوقی حمایتی است و تکلیف دولت‌ها و نهادهای سیاسی داخلی، منطقه‌ای و جهانی، احترام، حمایت و تضمین اجرای آن‌هاست (McBeth, 2010:43) امروزه حقوق بشر از موضوعاتی است که دیگر در چهارچوب قلمرو سرزمینی نمی‌گنجد، بلکه مرزهای یک کشور را درنوردیده و دولت‌ها را نسبت به وضعیت انسان‌ها در سایر نقاط جهان مسئول می‌گرداند. افزایش آگاهی‌های عمومی و توسعه قواعد حقوق بشری در سطوح مختلف نیز موجب حساسیت بیشتر جهانیان نسبت به موارد نقض حقوق گردیده است. از این رو یک دولت در فضای جامعه بین‌المللی امروز، دیگر فقط در برابر شهروندان خود مسئول نیست، بلکه باید از انجام اقداماتی که حقوق سایر ملت‌ها را نقض کرده و آثار سوئی بر آن‌ها داشته باشد خودداری کرده و در موارد ضروری، در جهت حفظ حقوق بشری آن‌ها اقدام نماید. (کربلایی حسینی، ۱۳۹۲:۱۱۷)

امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا و تضمین رهایی بشریت از گرسنگی، از مهمترین اولویت‌هایی است که همواره از سوی سیاست‌گذاران کشورها و جامعه بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است. در واقع تمامی سیاست‌های کلان دولت‌ها حول

محور امنیت غذایی می چرخد. اتخاذ سیاست های پولی جهت کاهش نرخ تورم، کسب درآمدهای بیشتر ارزی و ذخیره آنکه به منظور واردات مواد غذایی در صورت بروز بلایایی طبیعی و یا خشکسالی و اولویت دادن به سیاست های مرتبط با غذا را می توان از جمله این سیاست ها عنوان کرد. (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۴۱) این در حالی است که تحریم صادرات و واردات کشورهای هدف، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم امنیت غذایی و حق دسترسی به غذای کافی در این کشورها را چه از نظر فیزیکی و چه اقتصادی با چالش جدی مواجه می نماید. توضیح بیشتر آنکه، به مخاطره افتادن امنیت غذایی زمانی روی می دهد که در ابزارهای تامین امنیت مذکور اختلال ایجاد شود. همانگونه که بیان گردید، تامین امنیت غذایی در کشورها مستلزم ثبات اقتصادی، اتخاذ سیاست های پولی ویژه در راستای کاهش نرخ تورم و ارتقاء قدرت خرید واحد پول ملی و متعاقب آن، بزرگ شدن سفره های مردم است؛ در حالی که ابزارهای مذکور با اعمال تحریم اقتصادی که عناصر کلیدی و نتایج اجتناب ناپذیر آن، وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی و مخصوصا کاهش قابل توجه صادرات و واردات هستند، توان عملکرد خود را یا از دست می دهند و یا به شکل بسیار محدود عمل خواهند نمود. نتیجه نهایی چنین روندی نیز بر هم خوردن امنیت غذایی در کشورهای هدف تحریم و ایجاد مشکل در دسترسی اقتصادی مردم به غذای کافی است و این همان چیزی است که مبنای غایی مجازات های اقتصادی بین المللی علیه کشورهای هدف است. نظام تحریم های اقتصادی بین المللی همچنین با ایجاد اختلال در گردش آزاد کالا در عرصه جهانی، تلاش های اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ و نیز اجلاس هزاره سال ۲۰۰۰ مبنی بر ایجاد یک نظام غذایی جهانی را با بن بست مواجه نموده و دسترسی فیزیکی افراد به غذای کافی را نیز با مشکل مواجه می نماید. به عنوان مثال، اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ با هدف کاهش موارد سوء تغذیه در جهان به نصف آمار موجود تا سال ۲۰۱۵ تشکیل گردید و هدف مذکور مورد پذیرش اجلاس هزاره سال ۲۰۰۰ نیز قرار گرفت و ۵ سال بعد، در

سال ۲۰۰۲ که دومین اجلاس جهانی غذا با هدف بررسی میزان وصول به هدف موصوف تشکیل گردید، در گزارش تحلیلی سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد^۱ مشخص شد که وصول به این هدف ممکن به نظر نمی‌رسد^۲. (Schanbacher, 2019:3) پس از اجلاس فوق و ارائه گزارش فائو، سومین اجلاس جهانی غذا در سال ۲۰۰۹ تشکیل شد که باز هم با وجود تلاش‌های سازمان مذکور در تشکیل کارگروه بین‌الدولی، تشکیل ۴ جلسه اصلی و چندین میانجلسه مابین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ و نهایتاً تدوین نسخه نهایی دستور العمل‌های اختیاری حمایت از شناسایی مستمر حق بر غذای کافی در راستای تامین امنیت غذایی، اوضاع و احوال موجود حکایت از عدم وصول به هدف مورد نظر اجلاس جهانی سال ۱۹۹۶ را دارند. (Hadiprayitno and Hopes, 2010:46) علاوه بر این، نظام تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، در تعارض با اهداف موافقتنامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت نیز می‌باشد. موافقتنامه مذکور با هدف تسهیل دسترسی به محصولات کشاورزی مابین اعضاء سازمان منعقد گردیده است تا بدین وسیله و با افزایش تولید

۱ - یکی از آژانس‌های تخصصی ملل متحد که در زمینه حق بر غذا فعالیت بسیار گسترده‌ای انجام داده و به تعبیری متولی اصلی اجرای این حق در سطح بین‌المللی قلمداد می‌شود، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو) است ... [سازمان مذکور در زمینه امنیت غذایی و حق بر غذا اقدامات مهمی انجام داده است، از قبیل: تصویب اعلامیه جهانی ریشه‌کنی فقر و سوء تغذیه [در سال ۱۹۷۴]، تصویب پیمان امنیت جهانی غذا در سال ۱۹۸۵، [برگزاری] کنفرانس جهانی تغذیه در سال ۱۹۹۲، تهیه برنامه ویژه امنیت غذایی [در سال ۱۹۹۴]، تصویب اعلامیه رم [در سال ۱۹۹۶] در زمینه امنیت غذایی]، تهیه نقشه‌نامه امنی غذایی گروه‌های آسیب‌پذیر [در سال ۱۹۹۶]، تصویب اعلامیه اتحاد بین‌المللی علیه گرسنگی و سوء تغذیه [در سال ۲۰۰۲]، تصویب دستورالعمل اختیاری جهت حمایت تدریجی از تحقق امنیت غذایی [در سال ۲۰۰۴]، تصویب اعلامیه امنیت غذایی جهانی [در سال ۲۰۰۸] و تصویب اعلامیه اجلاس جهانی غذا [در سال ۲۰۰۹]. (اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۰:۹۹)

۲ - در سال ۱۹۷۴ اعلامیه ریشه‌کنی گرسنگی و سوء تغذیه به تصویب کنفرانس جهانی غذا رسید. در این اعلامیه، افزایش تولید محصولات غذایی و مخصوصاً تقسیم مناسب منابع غذایی [در سطح جهانی]، به عنوان عناصر کلیدی جهت مبارزه با گرسنگی و مسئولیت مشترک جامعه بین‌المللی [در این زمینه] عنوان گردیدند. به دلیل عدم وصول به اهداف کنفرانس جهانی غذا، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، در سال ۱۹۹۶ به تشکیل اجلاس جهانی غذا با حضور قریب به ۱۰ هزار نماینده از عالی‌سطوح [سیاسی] ۱۸۵ کشور جهان اقدام نمود ... مهمترین هدف تشکیل این اجلاس، کاهش موارد سوء تغذیه [در سطح جهانی] تا سال ۲۰۱۵ به نصف آمار موجود بود؛ هدفی که بعدها مورد تأیید اعلامیه هزاره مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ نیز قرار گرفت. (Hadiprayitno and Hopes, 2010:45)

محصولات کشاورزی داخلی و نیز ترغیب رقابت بین این محصولات، دورنمای امنیت بین المللی غذایی روشن تر گردد. (MacMaolain, 2015:36) امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا و تضمین رهایی بشریت از گرسنگی، از مهمترین اولویت هایی است که همواره از سوی سیاستگذاران کشورهای و جامعه بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است و عوامل مختلفی از قبیل بالا رفتن قیمت های جهانی مواد غذایی، تغییرات جوی و گرم شدن دمای کره زمین، استفاده از محصولات غذایی در تولید سوخت های زیستی، جهانی شدن اقتصاد و نظام های تولید، فرسایش منابع طبیعی و ... در سطح جهانی مانع تحقق [کامل] امنیت غذایی گردیده اند. (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۴۱)

باید دانست که ناامنی غذایی از جمله عواملی است که در بسیاری موارد می تواند با دامن زدن به بی ثباتی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، شالوده های یک نظام سیاسی-اجتماعی را فروریزد. (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۴۲) یکی از بنیادی ترین مبانی علم حقوق، ایجاد ثبات در جامعه از طریق تنظیم روابط اعضای جامعه است؛ بی ثبات سازی درست در نقطه مقابل مبنای مذکور است. درک ... تحریم های اقتصادی که با هدف مداخله یا بی ثبات سازی حکومت کشور تحریم شونده اعمال می شود، از زاویه جامعه شناسی [نیز] امکان پذیر است؛ زیرا در این نوع تحریم، فشار متوجه حداقل بخشی از جامعه است تا از این طریق بین مردم و حکومت فاصله ایجاد شده و مشروعیت حکومت از میان رفته و بالاخره زمینه بی ثباتی به وجود آید (زهرانی، ۱۳۷۶: ۵) و یکی از وجوه و نتایج بارز بی ثباتی اقتصادی نیز ایجاد تورم افسار گسیخته و افزایش تصاعدی قیمت کالاهای اساسی از جمله امکانات معیشتی و مواد غذایی است؛ در چنین شرایطی حق بنیادین بشری سکنه کشورهای هدف تحریم بر غذا و امنیت غذایی آشکارا نقض می گردد.

علاوه بر این، ایجاد بی ثباتی در کشورهای هدف، دخالت غیرمستقیم در امور داخلی و نقض حاکمیت این دولت ها محسوب می شود و این امر در تعارض با بند ۷

ماده ۲ منشور ملل متحد در بیان اصل عدم دخالت در امور داخلی دولت‌ها می‌باشد.^۱ درست است که نمی‌توان منکر لزوم مجازات موارد نقض موازین و تعهدات بین‌المللی توسط دولت‌های خاطی بود؛ اما در اعمال مجازات در این موارد، باید به ملزوماتی توجه گردیده و حدودی رعایت شود. یکی از این ملزومات و حدود، رعایت اصول حقوق بین‌الملل، علی‌الخصوص عدم خدشه به حقوق بنیادین بشر می‌باشد؛ به عبارت بهتر، اعمال حقوقی داخلی یا بین‌المللی، زمانی که ناقض حقوق بنیادین بشر باشند، قابل توجیه نبوده و فاقد اعتبار حقوقی خواهند بود؛ هرچند از نظر سیاسی و روابط بین‌الملل، موجه به نظر برسند. بر هم زدن امنیت غذایی در یک کشور و محروم نمودن مردم آن کشور از حق دسترسی به سطح زندگی کافی و به طور اخص، حق بر غذا، با هدف مجاب نمودن دولت آن کشور بر عمل به موازین و تعهدات بین‌المللی، نقض غرضی آشکار و قربانی نمودن اصل جهت وصول به فرع است. مبنای علم حقوق [اعم از حقوق داخلی و خارجی]، تنظیم روابط اجتماعی [اعم از جامعه داخلی و بین‌المللی] است (ثابت سعیدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶) و نتیجه منطقی روابط اجتماعی منظم، ثبات در جامعه است؛ پس نمی‌توان ابزارهای حقوقی را در راستای بر هم زدن مبانی مذکور ایجاد نموده یا به کار برد. تحریم‌های متمرکز اقتصادی، از طرف سازمان ملل متحد و با توجیه حفظ و تامین نظم و امنیت بین‌المللی و مجاب نمودن دولت‌های خاطی اعمال می‌گردند زیرا تصور [بر] این است که قطع رابطه تجاری، تغییر رفتار را به وجود می‌آورد (زهرانی، ۱۳۷۶: ۴)؛ اما نتیجه چنین اقداماتی، قطع نظر از اثربخشی تحریم و ایجاد چرخش در رفتار دولت‌های هدف^۲، بر هم خوردن نظم عمومی اقتصادی در کشورهای هدف

۱ - جهت مطالعه بیشتر در زمینه اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، ر.ک. به قاسمی، غلامعلی؛ چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۴۳

۲ - جهت مطالعه در زمینه اثربخشی تحریم‌های اقتصادی ر.ک. به P. Doxey, Margaret, International Perspective Contemporary in Sanctions, Edition Second, ۱۹۹۶, London, Macmillan Ltd Press. و همچنین زهرانی، ۱۳۷۶: ۱۲۷

و ایجاد نارضایتی‌های عمومی در داخل آن هاست تا بلکه دولت‌های آن‌ها مجاب و مجبور به تغییر در سیاست‌های بین‌المللی خود شوند، امری که موجب کاهش سطح رفاه عمومی در کشورهای تحت تحریم و نقض حق بنیادین بشری مردم این کشورها بر داشتن سطح زندگی کافی و داشتن امنیت غذایی می‌گردد. این مسئله را نباید از نظر دور داشت که صلح و امنیت بین‌المللی در جهت حمایت از حیات و کرامت انسان‌ها اهمیت می‌یابد و قاعده صلح و امنیت نباید دلیلی برای اقدامات قهری و نادیده گرفتن حقوق انسان‌ها محسوب گردد؛ از این رو، اجرای تصمیم تحریم اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که حقوق مسلم انسان‌ها را نقض نکرده و به عبارتی، خود نقض قواعد حقوق بین‌الملل به حساب نیاید. بر همین اساس، اصل انسانی بودن تحریم‌های اقتصادی که یکی از اصول مهم برگرفته از حقوق بین‌الملل عام می‌باشد، به مفهوم در نظر داشتن جنبه‌های انسانی در اعمال تحریم هاست. دکمیتة حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۸ مصوب ۱۹۹۷، در خصوص ارتباط میان تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلام می‌دارد که آن دسته از مقررات منشور [ملل متحد] که به حقوق بشر مرتبط هستند [مواد ۱، ۵۵ و ۵۶]، باید در چنین شرایطی به طور کامل اجرا شوند. همچنین در این تفسیر مقرر شده است که تمایز میان هدف اولیه اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر دولت یک کشور در جهت وادار کردن آن به تبعیت از حقوق بین‌الملل و ایجاد رنج برای آسیب پذیرترین گروه‌ها در کشور هدف، ضروری می‌باشد. به عبارت دیگر، شهروندان یک کشور نباید به دلیل تخلف دولت از قواعد حقوق بین‌الملل، از حقوق اساسی خود محروم گشته و مورد آسیب قرار گیرند. علاوه بر این، گزارشگر ویژه حق بر غذا در گزارش سال ۲۰۰۲ خود، با تمرکز بر تحریم‌های کوبا و عراق، اعلام می‌دارد که باید تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر حق بر غذا سنجیده شده و در صورتی که این حق نقض گردد، واضعان تحریم با مسئولیت [بین‌المللی] مواجه گردند. (کربلابی حسینی، ۱۳۹۲: ۸۴)

نهایت سخن آنکه، تعارض واقعی بین اعمال تحریم اقتصادی بین‌المللی و امنیت غذایی و حق بشری بر غذا تا جایی است که باید آن را در زمره چالش‌های امنیت غذایی محسوب نمود؛ برای مسئله امنیت غذای و حق دسترسی به غذا در جوامع مختلف، چالش‌هایی را بیان نموده اند از جمله: افزایش قیمت جهانی مواد غذایی، توسعه کشت محصولات ارگانیک، تولید سوخت‌های زیستی جایگزین بنزین، تغییرات جوی و پدیده گرمایش جهانی، تخریب منابع طبیعی، کاهش اراضی زیر کشت، جهانی شدن اقتصاد و نهایتاً، بحران‌های زیست‌محیطی؛ (میرعباسی و اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۶۷) بدین ترتیب به نظر می‌رسد که اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه دولت‌ها را نیز باید به سیاهه چالش‌های مذکور اضافه کرد و آن را «تنها چالش سیاسی بدون توجه حقوقی بر سر راه وصول به امنیت غذایی» معرفی نمود.



برآمد

مبانی و بنیادهای فلسفی و نظری حقوق بشر و همچنین نظام بین المللی ضمانت اجرای آن امروزه به گونه ای پایه ریزی شده و در حال تکامل است که علاوه بر عبور از چهارچوب های حاکمیت دولت ها که میراث مکتب حقوق طبیعی محسوب می گردد، توانایی مقابله با مفاهیم بزرگی همچون صلح و امنیت بین المللی را نیز پیدا کرده است. چنین تاسیسی را باید تعرض ناپذیر محسوب نمود و هرگونه اقدام و عمل حقوقی متعارض با آن را باطل و بلااثر دانست.

حقوق بشر امروزی به مفهوم نظری «حقیقت» جامعه عمل پوشانده و به عنوان نمود بارز امری حقیقی در عرصه بین المللی ظاهر گردیده است. حقیقت این است که حقوق بشر حقوقی است که به دلیل انسان بودن دارندگان آن، که به نوبه خود یگانه موضوع علم حقوق محسوب می شوند، از هر نوع تعرض مصون بوده و هر عمل حقوقی و غیرحقوقی مخالف آن ها تعرض به بشریت محسوب و خودبخود خالی از مبانی توجیهی گردد. اعمال تحریم اقتصادی نیز از این اصل کلی مستثنا نبوده و تا جایی معتبر و قابل توجه است که با حقوق بنیادین بشری برخورد و تداخل نداشته باشد؛ درغیراین صورت، با هر توجیه و مبنایی که ایجاد شده باشد، خالی از وجاهت حقوقی و قانونی گردیده و قابلیت اعمال خود را از دست خواهد داد.

حق بشری بر داشتن به سطح زندگی کافی، که حق بر غذا را باید مهمترین مصداق آن دانست، با اعمال تحریم اقتصادی تحت تاثیر قرار گرفته و نقض، تحدید و سلب می گردد، چونکه با محدودیت منابع مالی دولت ها و قطع دسترسی آنها به بسیاری از منابع امکان خدمات رسانی آنها به شهروندان از بین می رود لذا نظام تحریم های اقتصادی بین المللی را باید فاقد مبانی توجیهی محسوب نمود و اعمال کنندگان آن، اعم از دولت ها در تحریم های یکجانبه و سازمان های بین المللی در تحریم های متمرکز را در این ارتباط دارای مسئولیت بین المللی محسوب کرد.

نتیجه اجتناب ناپذیر تحریم اقتصادی، چه یکجانبه و چه متمرکز، نقض، تحدید یا سلب حق بر داشتن سطح زندگی کافی و حق بر غذا است و توجیهات ارائه شده ندر دفاع از تاسیس مذکور نیز بیشتر به مغالطات فلسفی شباهت دارند تا دفاعیات دارای مبنای منطقی. تلاش برای برخورد با موارد نقض موازین و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و یا حتی تأمین صلح و امنیت بین‌المللی به قیمت نقض حقوق بنیادین بشری، تناقضی منطقی و مبنایی و غیرقابل دفاع است؛ لذا باید نظام تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی را بگونه‌ای اصلاح کرد که رافع ایراد فوق باشد و یا بطور کلی از اعمال چنین تحریم‌هایی صرف نظر نمود و به دیگر طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی روی آورد. بنابراین گرچه متعهد اولیه ایجاد سطح زندگی کافی برای شهروندان دولت متبوع ایشان می‌باشد اما اقدام دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی در اعمال تحریم‌های اقتصادی عملاً دولت‌ها را از ایفای این تکلیف دور کرده و مانع از یکی از حقوق بنیادین بشر برای شهروندان آن کشور می‌باشند. لذا شایسته است که سازمان ملل و شورای امنیت و نیز کشورهای عضو این سازمان‌ها ضمن لحاظ نمودن این مهم در زمان اعمال تحریم‌ها اثرات آن را بر حقوق شهروندان آن کشورها مدنظر قرار دهند و در درجه دوم هر نوع تحریم غیر قانونی کشورهای عضو را بر علیه کشوری دیگر را به عنوان اقدام غیر قانونی و ناقض حقوق بنیادین بشر مورد شناسایی قرار دهند. و بر اساس منشور ملل متحد و نیز میثاقین با آن برخورد نمایند.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب

- افروغ، عماد (۱۳۹۰)، *درآمدی بر رابطه اخلاق و سیاست، نقدی بر ماکیاولیسم*، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر
- آقایی، سیدداوود (۱۳۹۴)، *سازمان های بین المللی*، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات سرای عدالت
- آشوری، داریوش (۱۳۹۸)، *دانشنامه سیاسی - فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی*، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات مروارید
- باباخانی، فرزاد و معتمدنژاد، رویا (۱۳۹۹)، *گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
- پروین، خیرالله (۱۳۹۵)، *حقوق بشر از نظر تا عمل*، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان
- ثابت سعیدی، ارسلان و همکاران (۱۳۸۸)، *کلیات حقوق*، چاپ اول، تهران، انتشارات اندیشه های حقوقی
- جاوید، محمدجواد (۱۳۹۷)، *مکاتب فلسفی حقوق*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
- ذوالعین، پرویز (۱۳۷۷)، *مبانی حقوق بین الملل عمومی*، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶)، *نظریه های تحریم اقتصادی*، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- صلح چی و نژندی منش (۱۳۹۳)، *حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی*، چاپ چهارم، تهران انتشارات بنیاد حقوقی میزان
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۹)، *آزادی های عمومی و حقوق بشر*، چاپ

- نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴)، *حقوق بین الملل بشردوستانه*، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *حقوق بین الملل عمومی*، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات گنج دانش
- عباسی، بیژن (۱۴۰۰)، *حقوق بشر و آزادی های بنیادین*، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر
- عنابتانی، ابوالحسن (۱۳۹۵)، *تحریم هاتی اقتصادی و حقوق بنیادین بشر*، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، دفتر دوم - جستارهایی تحلیلی از حق ها و آزادی ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲)، *روابط بین الملل در تئوری و عمل*، چاپ اول، تهران، نشر قومس
- کرافورد، جیمز، *درآمدی بر حقوق مسئولیت بین المللی دولت ها*، ترجمه محمد ستایش پور، چاپ اول، تهران ۱۳۹۷، انتشارات ساحل گیسوم
- کربلایی حسینی، مریم (۱۳۹۷)، *حق بر غذا در پرتو اسناد بین المللی*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی
- مرکزالمیری، احمد (۱۳۹۴)، *حاکمیت قانون - مفاهیم، مبانی و برداشت ها*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- مک مالین، کوئین، *حق بر غذا - حقوق ناظر بر مواد غذایی - چهارچوب های داخلی، اروپایی و بین المللی*، ترجمه سودابه رضوانی و محبوبه منفرد، تهران ۱۳۹۶، انتشارات بنیاد حقوقی میزان

میرعباسی، سیدباقر و اسنفدیاری، چنگیز (۱۳۹۳)، *امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا در گفتمان سازمان ملل*، چاپ اول، تهران، انتشاراتی خرسندی
 وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰)، *ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر*، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان
 وکیل، امیرساعد و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۲)، *ایران و تحریم های بین المللی*، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد
 هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، *حقوق بشر و آزادی های اساسی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

مقالات

اردستانی، علی و کامجو، الهام: بررسی وضعیت حقوق بشر در زمان مداخلات مسلحانه؛ یک ارزیابی نظری، *دوفصلنامه حقوق بشر*، سال سیزدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷
 امیریور، حمیدرضا: *آثار تحریم های بین المللی بر بهره مندی از حق بر غذا و دارو از منظر حقوق بین الملل*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۹۳
 پنهت، آرین و مومنی راد، احمد: سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فراتنظیمی، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال هفدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۴
 سرخ حساری، محسن: *حق بر غذا و امنیت غذایی در پرتو حقوق بین الملل تغییر اقلیم*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۹۸
 قاسمی، غلامعلی: چالش های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین

الملل، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۵
کربلایی حسینی، مریم: *بررسی ابعاد حق بر غذا در اسناد بین‌المللی*، پایان
نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۹۲.

اسناد حقوقی

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد
اعلامیه و دستورالعمل ۱۹۹۳ وین مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر
اعلامیه ۱۹۹۶ رم در زمینه امنیت جهانی غذایی مصوب اجلاس جهانی غذا
اعلامیه هزاره ملل متحد سال ۲۰۰۰
تفسیر عمومی شماره ۸ سال ۱۹۹۷ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
دستورالعمل اختیاری ۲۰۰۴ سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو)
عهدنامه ۱۹۶۹ وین در زمینه حقوق معاهدات
گزارش سال ۲۰۰۱ گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در زمینه حق بر غذا
منشور سازمان ملل متحد
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع
عمومی سازمان ملل متحد

انگلیسی

Alston, Philip and Goodman, Ryan, (2013) *International Human Rights – The Successor to International Human Rights in Context : Law, Politics and Morals*, Oxford University Press, Oxford

Asada, Masahiko, (2020) *Economic Sanctions in International Law and Practice*, Routledge, New York

Cortright, Davis and A. Lopez George, (2018) *Economic Sanctions – Panacea or Peacebuilding in a Post-coldwar World*, ?Rout-

ledge ,New York

D .Schanbacher ,William ,(2019) ***Food as a Human Right– Combating Global Hunger and Forging a Path to Food Sovereignty*** ,Praeger tm ,Santa Barbara

De Schutter ,Olivier and Y Cordes ,Kaitlin ,(2011) ***Accounting for Hunger – The Right to Food in the Era of Globalization*** ,Hart Publishing Ltd .Oxford

Dolzer, Rudolf (1991), ***Encyclopedia of Public International Law - vol. 8 Human Rights and the Individual in International Law***. International Economic Relations, Elsevier Science Publishing Company Inc. New York

Eyler, Robert (2007), ***Economic Sanctions – International Policy and Political Economy at Work***, Palgrave Macmillan tm. , New York

F.W. Wernaart, Bart (2013), ***The Enforceability of the Human Right to Adequate Food – A Comparative Study***, Wageningen Academic Publishers, the Netherlands

Hakimdavar, Golnoosh (2014), ***A Strategic Understanding of UN Economic Sanctions***, Routledge, New York

Happold,Matthew and Paul Eden (2016), ***Economic Sanctions and International Law***, Hart Publishing , Oxford

Hiller, Tim (1998), ***Sourcebook on Public International Law***, Cavendish Publishing Limited, London

Hoffmann, Stefan-Ludwig (2011), ***Human Rights in the Twentieth Century***, Cambridge University Press, New York

Hopes, Otto and Hadiprayitno, Irene (2010), ***Governing Food Security – Law,Politics and the Right to Food***, Wageningen Academic Publishers, the Netherlands

Hufbauer, Gary Clyde and J.Schott, Jeffrey and Ann Elliott, Kimberley and Oegg, Barbara (2007), ***Economic Sanctions Reconsidered***, 3rd Edition, United Book Press Inc., Washington DC

Jones, Lee (2015), ***Societies under Siege – Exploring How International Sanctions Do Not Work***, Oxford University Press, Oxford

Lemmi, Valentina and Bantjes, Jason and Coast, Ernestina and Channer, Kerrie and Leone Tiziana and McDaid, David and Palfreyman, Alexis and Stephens, Bevan and Lund, Crick (2016), ***Suicide and Poverty in low-income and middle-income countries: a systematic review***, *Lancet Psychiatry*

MacMaolain, Caoimhin (2015), ***Food Law – European, Domestic and International Frameworks***, Hart Publishing Ltd., Oxford

McBeth, Adam (2010), ***International Crisis Management***, Routledge, New York

Morsink, Johnnes (2009), ***Inherent Human Rights – Philosophical Roots of the Universal Declaration***, University of Pennsylvania Press, Philadelphia

P. Doxey, Margaret (1980), ***Economic Sanctions and International Enforcement***, The Royal Institution of International Affairs, London

P. Doxey, Margaret (1996), ***International Sanctions in Contemporary Perspective***, Second Edition, London, Macmillan Press Ltd.

Sheeran, Scott and Rodley, Sir Nigel (2013), ***Routledge Handbook of International Human Rights Law***, Routledge, New York

Steier, Gabriela and K. Patel Kiran (2016), ***International Food Law and Policy***, Springer International Publishing, Switzerland

Ziegler, Jean and Mahon, Claire (2011), ***The Fight for the Right***

to Food – Lessons Learned, Palgrave MacMillan tm., New York
Z. Marossi, Ali and R. Bassett (2015), *Economic Sanctions under International Law – Unilateralism, Multilateralism, Legitimacy and Consequences*, T.M.C. Asser Press, Hague

